تأثیر رفتار مربیان در تربیت دینی مردم

سید انور علوی[1]

چکیده

تاثیر رفتار مربیان در تربیت دینی مردم موضوع این نگارش است برای کاوش و استنباط احکام فقهی آن آیات و روایات بررسی شده و اثبات گردیده است که مردم عملکرد مربیان دینی را مورد سنجش قرار می‌دهند و گفته‌های فروان آنان به اندازه نصف کردار مربیان دینی اثر بخش نیست. چون مربیان الگوی رفتاری متربیان است و مردم از مربیانی که گفتار و رفتار هماهنگ دارند تاثیر بیشتر می‌پذیرند از این رو معصومان(ع) در سیره تربیتی خود بر عملکردها بیشترتکیه می‌کرده اند که ادله قرآنی و روایی فراوان برای اثبات آن در این نگاشته استناد شده است.

واژه‌های کلیدی: رفتار، مربی، تربیت، دین، مردم.

---

۱ . رشته فقه تربیتی مقطع دکتری

پیشگفتار

مربیان دینی روش‌های گوناگون برای تربیت دینی و گرایش مردم به دین دارند که یکی از موثرترین و کارسازترین شیوه‌های تربیت دینی رفتار و عملکرد خود مربیان تربیتی است. چون رفتار مربیان تاثیر آشکار و نهان خود را بر متربیان می‌گذارد. این سخن مورد تایید روان‌شناسان تعلیم و تربیت نیز قرار دارد که یادگیری مشاهده‌ایی وجود آدمیان را متاثر می‌سازد، و تاثیرات آن پایدارتر است.

چون بخش قابل‌توجهی از رفتارها و مهارت‌های دینی از راه مشاهده رفتار مربیان و اندیشوران دین حاصل می‌آید. از این رو بررسی تاثیر رفتار مربیان دینی در تربیت ضروری بوده و لازم است نگرش‌ها به تربیت از گفتار بسوی عمل و رفتار سوق داده شود .

به دلیل اینکه مردم به رفتار و عملکرد مربیان دین دقت و توجه بسیار دارند و همواره میان گفتار و کردار آنان مقایسه می‌کنند. همنوایی‌ها و تعارض‌ها در گفتار و رفتار از دید آنان پوشیده نمی‌ماند. از این رو مربیان موفق کسانی هستند که گفتار و رفتار هماهنگ دارند و همواره با عمل و رفتار به دیگران نشان می دهد که به گفتار خود پایبندند. بنابراین روش تربیتی آنان مورد اقبال و پسند مردم قرار گرفته و بر توفیق آنان می افزاید. بدون تردید سنجش مردم معیار برای کنش‌ها و رفتارهای تربیتی آنان واقع می‌شود و از طرف دیگر میل شدیدی در آدمیان وجود دارد که خود را با مربیان همانندسازی کنند و رفتاری همانند رفتار مربیان خود به خصوص مربیان دینی خود داشته باشند .

مربیان دینی که مردم را با هنجارها و ارزش‌های دین آشنا می‌کنند بر پایه آموزه‌های دین الزام شده است که با رفتار و عملکرد خود به این کار مهم اقدام نمایند. در این نوشتار تلاش شده است تا تاثیر رفتار مربیان را در تربیت دینی مردم بررسی نموده و ادله فقهی آن را نیزکاووش نماید. از این رهگذر افزون بر درک نگرش دین در فراخوانی مردم؛ موثرترین راه‌های دعوت به دین را نیز بدست آورد. برای اینکه دین خود بهترین و موثرترین مسیر را به مربیان ارائه نموده است. پس از بررسی تاثیر رفتار مربی در تربیت دینی از لابلای ادله‌های استناد شده برای اثبات این سخن می‌توان

احکام عملکرد و رفتار مربیان در دعوت و تربیت دینی مردم را نیز استنباط نمود که با این گونه تحقیق هم به جنبه‌های تربیتی و هم به استنباط حکم فقهی توجه می‌گردد.

شناخت تربیت دینی

شناخت مفهوم «تربیت دینی » به شناخت معنای دو کلمه «تربیت » و «دین » ارتباط دارد. از این رو، لازم است معنا و مفهوم این دو واژه بررسی بیشتر شود تا افزون بر یافتن دید روشن تر و افوق گسترده تر تاثیر رفتار مربی در تربیت دینی مردم نیز بررسی گردد.

« تربیت » در لغت، به معنای پرورانیدن یا پرورش دادن و به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه آمده است. اما در اصطلاح، معانی گوناگونی برای واژه تربیت ارائه شده است که در عین تعدد، همه توافق دارند که نتیجه فرایند تربیت تغییر رفتار افراد برای کسب هنجارهای مورد قبول و پذیرفته شده جامعه است.

از این رو می‌توان ادعا کرد که تربیت به تدریج حاصل می‌شود. از سوی دیگر لازم است متربی استعداد و توانایی لازم برای تربیت را دارا باشد. افزون بر آنچه بیان شد، توانایی‌ها در صورتی پرورش می‌یابد که فرایند تربیت بر اساس فطرت و سرشت خدا دادی متربی انجام گیرد.

«دین» نیز در لغت، به معنای کیش، آیین، طریقت، و شریعت آمده است (لغت نامه دهخدا، واژه «تربیت » و «دین »)و در اصطلاح به مجموعه اصول و قواعد بنیادی، شامل گزاره‌های توصیفی و تجویزی از احکام و فرامینی گفته می‌شود که از سوی خداوند برای هدایت آدمیان فرستاده شده باشد.

بنابراین نخستین عنصر مؤثر، شناخت اصول و قواعد ضروری دین است. گزاره‌های دینی که با دلیل و برهان عقلی به دست آید و نیز گزاره‌های توصیفی دین که مربوط به مسائل اعتقادی است با ظن و گمان حاصل نمی‌شود «**وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا**» (اسراء/ ۳۶) از پی آنچه نمی‌دانی که چیست مرو، زیرا گوش و چشم و دل، همه را، بدان بازخواست کنند. بنابراین دین افزون بر اینکه التزام قلبی به باورهای دینی را یادآوری می‌کند؛ به گونه‌ای شناخت می‌دهد که هر چه معرفت کامل تر باشد، آن ایمان نیز بارورتر خواهد بود.

ایمان قلبی کاملا اختیاری است و معرفت به آن آزادانه صورت می‌گیرد « لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره/ ۲۵۶)در قبول دین اکراهی نیست و عقیده قابل اجبار و اکراه نیست.

برای تربیت دینی مردم، نخست عمل خود متربیان به گزاره‌های تجویزی و احکام دینی ضروری است چون باورهای دینی، در مرحله عمل آشکار می‌گردد .

آنچه درباره دین و تربیت گفته شد مفهوم «تربیت دینی » روشن می‌گردد. مربیان تربیت دینی بر همین مبنا تربیت دینی مردم را سامان می‌بخشند. بنابراین، می‌توان گفت: «تربیت دینی » فرایندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به آدمیان در هماهنگ و همسو با فطرت و به دور از جبر و فشار، به منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد.

رفتار مربیان در سنجه متربیان

کارکردهای مربیان تربیتی به خصوص مربیان تربیت دینی همواره مورد سنجش متربیان قرار می‌گیرد. عملکرد و رفتار مربیان وقتی نشان دهد که مربیان به گفته‌های خود پایند بوده و فرمان شرع و ارزش‌های مقبول جامعه را پیش از دعوت دیگران، خود عمل می‌کنند از محبوبیت و اقبال بیشتر در میان مردم بر خوردار می‌گردد.

چون مردم نسبت به کسانی که در قامت مربی آنان بر آمده‌اند و در صدد تربیت آنان بوده کنجکاو است تا میزان صداقت آنان را در گفتار و کردار دریابند و یکی از راه‌های فهم آن سنجش میزان عملکرد آنان است. از این رو آموزه‌های دین تاثیر عمیق" دعوت عملی" را مطرح کرده است که در آیات و روایات به خوبی تاثیرعملکرد و رفتار مربی در تربیت دینی مردم انعکاس یافته و امام علی علیه‌السلام خود از جمله مربیان دینی است که مردم را آگاه می‌نمود که سخنان وی تنها حرف نیست و تمامی آنچه گفته می‌شود در عمل آزموده شده است.

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَ اللَّهِ مَا أَحُثُّكُمْ عَلَى طَاعَه إِلَّا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنْهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَه إِلَّا وَ أَتَنَاهَى قَبْلَكُمْ عَنْهَا» (نهج البلاغه،خطبه ۱۷۵) ای مردم به خدا سوگند شما را به هیچ طاعتی تشویق نمی‌کنم مگر قبلاً خودم آن را انجام می‌دهم و از هیچ کار خلافی باز نمی‌دارم مگر این‌که پیش از شما از آن دوری جسته‌ام.

این حدیث دلالت می‌کند که عمل مربی در تربیت دینی تاثیر داشته و به گونه‌ای سبک تربیتی مربیان الهی را نیز آموزش می‌دهد که بسیار کارآمد بوده و مردم را در تربیت دینی همدل و همنوا می‌سازد و سبب مشارکت مردم در تربیت دینی می‌گردد.

امام صادق علیه‌السلام نیز از کیفردرناک کسانی سخن می‌گوید که داد سخن در می‌دهد و عملکرد متفاوت با گفتار خود دارند « **مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ عَذَاباً يَوْمَ الْقِيَامَه مَنْ وَصَفَ عَدْلًا وَ عَمِلَ بِغَيْرِهِ**» (الکافی، ج۲ ص۳۰۰) از کسانی که در روز قیامت عذابشان از همه شدیدتر است کسی است که سخن حقی بگوید و خود به غیر آن عمل کند. عذاب و کیفر نشانه حرمت کار است. از این رو می‌توان گفت که تناقض نا هماهنگی در گفتار و رفتار حرام و دارای عقاب است .

در باره موضوع نوشتار "تاثیر رفتار مربیان در تربیت دینی مردم" افزون بر احادیث بیان شده که دلالت کامل داشت نیازمند بررسی آیات و روایات بیشتر هستیم تا سخن مطابق نگرش شرع گفته شود و از گزاف گویی اجتناب گردد و پس از تحلیل دلالی آیات و روایات حکم فقهی آن نیز کشف می‌گردد.

مربیان الگوی رفتاری متربیان

آدمیان همواره برای همسان سازی خود با فرهیختگان، مربیان و انسان های صالح و موفق تلاش کرده‌اند و برای دست یابی به آنچه سبب رشد و موفقیت آنان شده است کوشش نموده‌اند با سرمشق قرار دادن، اعمال و رفتار آنان را تقلید کرده تا رفتار همانند مربیان خود داشته باشند. این فرایند تربیتی عملکرد موفق آمیز داشته است و تاثیر آن در انتقال تمدن و فرهنگ بشر انکار ناپذیر است و انتقال فرهنگ و ارزشها از نسلی به نسل دیگر را ممکن ساخته است. از این رو قرآن کریم نیز از الگوپذیری آدمیان برای تربیت دینی، بهره برده که بعثت پیامبران و ارسال رسولان از سوی خداوند، به هدف ارائه الگویی عملی برای انسان‌ها در راستای تربیت دینی آنان بوده است. هرچند در قرآن تنها دو نفر از پیامبران به‌صراحت الگوی تربیتی معرفی شده‌اند؛ ولی ادله عقلی و نقلی پایداری وجود دارد که تمامی پیامبران و پیشوایان الگو برای تربیت دینی آدمیان‌اند که افزون برگفتار، اعمال و رفتار و حتی تقریرات آنان نیز مبنای عمل بوده است. درباره اینکه قرآن تنها حضرت ابراهیم(ع) و پیامبر اسلام(ص) را الگو

معرفی می‌کند، نیازمند بحث تفصیلی و جداگانه است که در این نوشتار نمی‌گنجد و آنچه تردید ناپذیر است اثبات الگو بودن آن دو دلیل بر الگو نبودن دیگر پیامبران نیست.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: « قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (ممتحنه/ ۴) به یقین در ابراهیم(ع) برای شما اسوه و الگوی خوبی است. سپس کسانی را که با ابراهیم همراه بوده و همانند او، عملکرد و رفتار بارزی از ایمان و عمل صالح داشته‌اند، الگوی رفتاری و تربیتی معرفی شده است. از این رو، ابراهیم(ع) با رفتار و عملکرد درخشان خود الگو برای کسانی بود که بدلیل تاثیر رفتار ابراهیم در تربیت دینی با او همراه و هم عقیده شدند و پس از تربیت شدن هم اندیشان وی نیز الگویی تربیتی برای دیگران شدند برای همین قرآن به معرفی آنان پرداخته تا تاثیر رفتار و عملکرد مربیان را در تربیت دینی را بیان کند .

خداوند در باره تاثیر رفتار و عملکرد پیامبر خاتم بر تربیت دینی مردم، وی را الگوی پسندیده اعلام **می‌کند**« **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيراً**» (احزاب/ ۲۱)قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

این آیه مانند آیه پیشین دلالت می‌کند که مربیان الگوی رفتاری در تربیت دینی است و عملکرد آنان در تربیت دینی مردم تاثیر قطعی و انکار ناپذیر دارد و کسانی که به خداوند و روز واپسین امید دارند سرمشق آنان پیامبر است. زیرا الگوی شایسته باید به صورت همه جانبه و فراگیر، نقش تربیتی و نمونه بودن خود را ایفا کند. اسوه حسنه بودن نشانگر آن است که آدمیان همواره در حال الگو گیری و همسان سازی است.

انسان پیوسته در زندگی خود با الگوهای گوناگون رو به رو است که بر رفتار و تربیت آنان تاثیر انکار ناپذیر دارند، تاثیرات عوامل گوناگون بر انسان که امروزه در علوم تربیتی و روانشناسی از آن سخن می‌رود و آن را کشف بزرگ و افتخارآمیز برای دانش بشر می‌دانند از دید قرآن پوشیده نبوده است از این رو اسلام افزون بر پذیریش تاثیر عوامل بی‌شمار در تربیت آدمیان تاثیر رفتار مربیان در تربیت دینی را به گونه

برجسته تری بیان می‌کند. معرفی الگوهای حسنه و نیکو تلاش در جهت رسیدن به این هدف بوده است تا مردم با همسان سازی رفتار خود با الگوها، به درستی تربیت گردد .

در برابر عوامل موثر در تربیت، موانع بسیاری نیز وجود دارد مانند وراثت، محیط و طبیعت و جامعه، که برای پیروزی انسان بر این دشواری‌ها از سوی دین نیز راهکارهای ارائه شده است و بحث از آن باید در جای خود به تفصیل بیان گردد که یکی از آن می‌تواند الگو گرفتن از اسوه‌های حسنه برای تربیت دینی باشد.

قرآن، از همسر فرعون و حضرت مریم یاد می‌کند و مردم را به اندیشه در سرگذشت آنان فرا می‌خواند که با وجود قرار گرفتن در محیط ناسالم، چگونه تربیت دینی شدند و به سعادت و رستگاری رسیدند. بیان شد که قرآن تأثیرپذیری انسان از محیط و شرایط گوناگون را می‌پذیرد؛ از سوی دیگر انسان را قرآن مجبور و مقهور عوامل نامساعد ندانسته است. با نشان دادن الگوها و نمونه‌ها اثبات می‌کند که آدمیان در گذر از این موانع توانا بوده و می‌توانند به کمک و رهنمودهای دین بر تمامی مشکلات تربیتی پیروز گردند.

وقتی قرآن از فرزند ناخلف حضرت نوح(ع) سخن می‌گوید، وی را از دودمان نبوت و رسالت نمی‌داند؛ به دلیل اینکه از مربیان شایسته برای تربیت شدن الگو نگرفته؛ خود را بدست مربیان ناشایست سپرده و از عوامل محیطی ناصالح تاثیر پذیرفته و با اختیار خود راه صلاح و رستگاری را فرو نهاده است با وجود که مربی خوب و شایسته در دسترس وی قرار داشته و می‌توانسته آن را الگو قرار داده از تربیت دینی به آسانی و سهولت برخوردار گردد. از این که عملکرد تربیتی حضرت نوح در تربیت دینی مردمان دیگر موثر بوده؛ ولی بر فرزند وی کارساز نبوده دلیل بر اختیار داشتن آدمیان است که می‌تواند مسیر درست را برگزینند و رستگار شوند یا راه را اشتباه پیموده به گمراهی به سر برند. از این تعلیمات دین استنباط می‌گردد که برنامه تربیتی اسلام اجباری نیست و گرنه پدر می‌توانست فرزند را بر تربیت دینی اجبار نماید و اجبار در تربیت کارساز نیست.

عمل گرایی اسلام در تربیت دینی

الگوهای عملی و اسوه‌های حسنه که قرآن معرفی نموده در راستای نگرش عمل گرایی دین اسلام به تربیت است. تاثیر رفتار و عملکرد مربیان در تربیت دینی مردم از این نگرش سرچشمه می‌گیرد. به نظر می‌رسد الگوهای حسنه و عملکرد مربی تاثیر کارآمد در تربیت دینی مردم داشته باشد به همین دلیل در نظام تربیتی اسلام الزام وجود دارد که برای هدایت و تربیت مردم، تنها به تبلیغ و ارشادات گفتاری بسنده نکنند و از تاثیرات انکار ناپذیر رفتار مربی در تربیت به خصوص در تربیت دینی غفلت نورزد. از این رو مربیان دینی پیش از اقدام تربیتی باید در تربیت خود بکوشند تا به صورت التزام عملی و رفتاری، تعلیمات و معارف قرآنی را در عمل نمایان سازند پیش از بیان خوبی‌ها، بایدها و نبایدها در سخن و گفتار باید در کردار دعوت کننده دیگران به رستگاری و خود نیز الگوی رستگاری باشد.

امام صادق(ع) می‌فرماید: « **إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُه عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفَا** » (الکافی، ج۱، ص۴۴)هر گاه عالمان به مقتضای دانش خویشتن عمل نکنند، اثر موعظه اش همچون آب باران بر روی سنگ صاف فرو می غلطد و از قلبهای مردم محو می‌شود.

وقتی باران به روی سنگ ها ببارد به خاطر سخت بودن سنگ در آن فرو نمی‌رود سنگ هیچ بهره و نفعی از باریدن باران نمی برد و سخنان کسانی که عمل و رفتار آنان چیز دیگری را نشان می‌دهد به دلهای مردم راه نمی‌یابد و مردم توجهی به آن نمی‌کنند. این روایت افزون بر توصیه بر عالم با عمل بودن به گونه‌ای بر بی فایده و ثمر بودن سخنان این گونه افراد نیز اشاره می‌کند از طرف دیگر اگر مربیان و موعظه کنندگان عامل به سخنان خود باشند در عمل و رفتار به مردم نشان دهند که خود به آن پایبند است بدون تردید کارهای تربیتی این گونه افراد تاثیر گذارتر بوده و مردم نیز بهره بیشتر می‌برند.

از سوی دیگر رفتار و عملکرد مربیان نشانه‌های باورمندی آنان است. چون باورها ریشه و مبنای رفتار انسان است. سخنان که در عملکرد گوینده انعکاس نیابد نشانه این است که وی به سخن خود اعتقادی نداشته اند. از این رو این گونه ناسازگاری‌ها از دید مردم پوشیده نمی‌ماند، پس از آشکار شدن تضادهای گفتاری و رفتاری، مردم نسبت به

چنین افراد بی اعتماد شده و از اطراف آنان پراکنده می‌شوند. این آسیب را پیشوایان معصوم به مربیان تربیتی باز گو نموده است تا گرفتار آن نگردند. بدون تردید مردم شیفته صداقت‌اند و بهترین نشانه صداقت، را در عملکرد و رفتار آدمیان به خصوص مربیان جستجو می‌کنند. از این رو رفتار صادقانه افراد به خصوص مربیان تربیتی در تربیت دینی مردم نقش ارزنده دارد.

گفته شد که مربیان الگوهای تربیتی مردم است، همواره در برابر دیدگان مردم و قضاوت آنان قرار می‌گیرند، وظیفه فقه تربیتی نیز کشف و بیان حکم فقهی رفتار و عملکردهاست که با توجه به تاثیر رفتار مربیان در تربیت دینی مردم چه حکمی بر آن مترتب می‌گردد با توجه به الزام که در ادله فقهی برای این مساله وجود دارد اگر حکم به وجوب نگردد که رفتار و عملکرد مربیان تربیتی باید مناسب و سنجیده باشد؛ حداقل رجحان و استحباب آن خدشه ناپذیر است.

چون عملکرد نادرست آنان تالی فاسد و پی‌آمد های زیان بار دارد و سبب سست شدن باورهای دینی شده و به تربیت دینی مردم آسیب می‌رساند. از این رو حکم به حرمت و در مواردی حکم کراهت شدید خواهد شد .

امام علی(ع) خطاب به جابربن عبدالله انصاری فرمود: « **يَا جَابِرُ قِوَامُ الدِّينِ والدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ – عَالِمٍ مُسْتَعْمِلٍ عِلْمَه – وجَاهِلٍ لَا يَسْتَنْكِفُ أَنْ يَتَعَلَّمَ – وجَوَادٍ لَا يَبْخَلُ بِمَعْرُوفِه – وفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَه بِدُنْيَاه – فَإِذَا ضَيَّعَ الْعَالِمُ عِلْمَه – اسْتَنْكَفَ الْجَاهِلُ أَنْ يَتَعَلَّمَ** ...» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۲) ای جابر! استواری دین و دنیا به چهار امر محقق می‌شود: نخست به عالمی که به علم خود عمل کند... سپس فرمود: پس هرگاه عالم علم خود را تباه کند، نادان به آموختن روی نیاورد ...

این حدیث به روشنی پیامدهای عمل نکردن عالم به علم را بیان کرده که حکم حرمت از آن قابل استنباط است. تجربه نیز نشان داده است که تأثیرگذاری عمل، بسیار بیشتر از سخن است. عامل بودن عالمان به علم خود، سبب اقبال مردم به آنان و الگوپذیری می‌گردد .

ادله قرآنی بر تاثیر رفتار مربیان در تربیت دینی

افزون برآنچه از آیات بیان شد می‌توان به آیات دیگر نیز برای تاثیر رفتار مربیان در تربیت دینی استناد نمود.

آیه ۳۳ سوره فصلت

نخستین آیه، آیه ۳۳ سوره فصلت است که خداوند در خصوص عملکرد مربیان در گرایش دینی مردم می‌فرماید:﴿وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِمَّنْ دَعا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صالِحاً وَ قالَ إِنَّنی مِنَ الْمُسْلِمینَ ﴾ (فصلت/ ۳۳) چه کسی خوش‌گفتارتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: من از مسلمانانم.

دلالت آیه

سیاق این آیه به گونه‌ای سامان یافته که تاثیر رفتار و عملکرد مربیان در تربیت دینی مردم را به خوبی بیان می‌کند. قرآن با قرار دادن، عَمِلَ صالِحاً پس از دَعا إِلَى اللَّهِ بیان کننده این است که رفتار خوب در دعوت به دین نقش موثر دارد. برای اینکه گفتار نیک در دعوت به سوی خدا و دین، عمل صالح دعوت کننده به معنای رفتار مربی دینی است. از این رو آیه گفتار نیکو در مربیان و دعوت کنندگان به دین را دارای چند ویژگی می‌داند.

۱. دعوت به اللّه، کسانی که به خدا و دین دعوت می‌کنند می‌توان آنان را مربیان دین نامید.

۲. عمل صالح، داشتن عمل نیکو برای دعوت کنندگان و مربیان لازم است چون قرآن بلافاصله در پی دعوت و فراخوانی به خدا و دین آن را بیان کرده و گویا در نگرش قرآنی عمل صالح و رفتار مربیان، دعوت به خدا را ثمربخش می‌کند.

۳. تسلیم در برابر حق، از دیگر ویژگی‌های است که در این آیه بیان شده این صفت نیز از خصوصیات رفتاری دعوت کننده و مربی دین است و موثر در تربیت دینی مردم .

۴. گفتن اینکه من مسلمانم را مردم با عملکرد گوینده سنجش می‌کنند و دانستن اینکه دعوت کننده به خدا و دین تسلیم فرمان خداوند است یا نه؟ تنها با دیدن رفتار آنان برای مردم قابل تشخیص است.

این مجموعه ویژگی‌های رفتاری مربیان، گفتار دعوت کننده دین را خوشایند و قابل پذیریش می‌کند که بیشتر به جنبه رفتاری مربی(دعوت کننده) تاکید داشت. از این رو می‌توان گفت که این آیه بر مقصود این نوشتار به خوبی دلالت می‌کند که رفتار و عملکرد مربی در تربیت دینی مردم تاثیر دارد.

چون دلنشین بودن کلام نیازمند پذیریش اجتماعی است و این مساله در سایه ایمان و عمل صالح به‌دست می‌آید. (قرآن و تبلیغ، ص۲۱۱)برخی از مفسران این اوصاف را بر شخص پیامبر (ص) و پیشوایان معصوم تطبیق کرده‌اند، و برخی گفته‌اند که این آیه بیان کننده خصوصیات رفتاری مؤذنان است.

از آنجایی که مورد مخصص واقع نمی‌شود این آیه مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد و تمام منادیان و مربیان دینی را فرا می‌گیرد که باید در دعوت و تربیت دینی، نخست خود آنان ویژگی‌های رفتاری بیان شده در آیه را فرا گیرند تا دعوت موثر و کارساز داشته باشند .

هر چند مصداق اتم و اکمل این آیه و مانند آن، شخص پیامبر صلی‌الله علیه و آله وسلم است. با توجه به اینکه در صدر اسلام و ظهور دین جدید عملکرد و رفتار پیامبر معیار سنجش صدق گفتار وی برای مردم بود و عملکرد پیامبر سبب شد که مردم وی را امین بداند به سخنان او مانند رفتارش اعتماد نمایند. با توجه به جاودانگی دین، مصادیق آیه دارای طیف گسترده است از مصداق اکمل و اتم مانند پیامبر و پیشوایان معصوم(ع) گرفته تا مربیان و متولیان دین را فرا می‌گیرد.(تفسیر نمونه، ج۲۰، ص۲۷۸)

این آیات افزون بر آنچه بیان شد گویای آن است که در نگرش دین به تربیت دینی اصالت با رفتار است و نه گفتار. گفتاری که مؤید عملی و رفتاری نداشته باشد، نه تنها ارزش ندارد که خشم شدید خدای متعال را نیز به دنبال دارد. به دلیل اینکه اثر نامطلوب بر تربیت دینی مردم بر جای می‌گذارد .

از طرفی با تفسیر قرآن به قرآن قلمرو معنایی این آیه به خوبی روشن می‌شود آیه بهترین سخن را سخنان علمی‌تر و یا خوش آهنگ‌تر نمی‌داند؛ بلکه آن را دعوت و فراخوانی مردم به سوی خدا و دین می‌داند. «دَعا إِلَی اللَّهِ» و در پی آن میفرماید دعوت به سوی خدا و دین در صورت موثر و کارساز است که گوینده‌ای آن در رفتار التزام به گفتار خود را نشان دهد. «دَعا إِلَی اللَّهِ وَ عَمِلَ صالِحاً». از سوی دیگر گویندگان بی‌عمل

در قرآن توبیخ و نکوهش شده‌اند. ﴿لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ ﴾ (صف/ ۲)چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ !

در این آیه کسانی نکوهش شده که سخنی می‌گویند و خود به آن عمل نمی‌کنند این مساله مبغوض خداوند است که باید از آن اجتناب گردد. حکم فقهی این گونه رویکرد حرمت در طیف بلاتر و شدیدتر است و حکم کراهت در طیف پایین تر بوده این حکم به آسانی قابل استنباط است.

آیه ۴۴ سوره بقره

آیه دیگری که بر تاثیر رفتار مربی در تربیت دینی مردم می‌توان به آن استناد نمود آیه ۴۴ سوره بقره است﴿**أَ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ**﴾ (بقره/۴۴)

آیا مردم را به خیر و نیکی فرمان می‌دهید و خود آن را فراموش می‌کنید؟

دلالت آیه

در این آیه نیز کسانی مورد عتاب قرار گرفته که در سخن به خیر و نیکی‌ها فرمان می‌دهند؛ ولی خود به آن عمل نمی‌کنند. توبیخ شدن در معارف دین نشانه نا مطلوب بودن آن کار نزد شارع است که دلالت بر حرمت می‌کند و کمترین دلالت آن کراهت است. از این دلالت، حکم فقهی حرام و کراهت استنباط می‌گردد. قرار دادن این آیات کنارهم از باب اینکه آیات دسته‌ای، دسته دیگر را تفسیر می‌کنند، نشان دهنده این است که توبیخ در معارف دین به معنای ناپسند بودن آن کار است. در این آیه سخن گفتن به خیر و نیکی و عمل نکردن به آن سرزنش شده است و طرف دیگر قضیه که عمل کردن به گفتار است و گفتار را با کردار نشان دادن توصیه شده و مطلوب دین است. اگر دلالت بر وجوب نکند حداقل استحباب و رجحان را می‌رساند. مجموع این آیات عمل به گفتار را فرمان و از گفتار بدون عمل نکوهش می‌کند. مفهوم آیه به تاثیر رفتار مربیان در تربیت دینی مردم دلالت دارد .

ادله روایی بر تاثیر رفتار مربیان در تربیت دینی

روایت «ابْن أَبی یَعْفُور»

روایت «**ابْن أَبی یَعْفُور**» از امام صادق علیه‌السّلام نقل می‌کند که فرمود:«**کُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَیْرِ أَلْسِنَتِکُمْ لِیَرَوْا مِنْکُمُ الْوَرَعَ وَ الِاجْتِهَادَ وَ الصَّلَاه وَ الْخَیْرَ فَإِنَّ ذَلِکَ دَاعِیَه**»

(الکافی، ج۲ ص۷۸)با غیر زبان خویش مردم را (به‌کیش و مذهب خود) دعوت کنید، مردم باید ورع و کوشش و نماز و خیر شما را ببینند، این‌ها خود دعوت‌کننده باشند.

دلالت حدیث

باور بر این است که روایات تفسیر قرآن است پیشوایان دین برای کمک به دین پژوهان قلمرو معنایی بالاتر از فهم واژه شناسان کشف و عرضه می‌کنند از این رو روایات جدای از قرآن نیست.

این روایت در راستای بیان عمق بیشتر و آشکارتر از آیات است که پیش از این بیان شد و بر تاثیر رفتار مربیان در تربیت دینی به آن استدلال شد. این روایت با صراحت بیشتر بر این موضوع دلالت می‌کند و با فعل امر آغاز شده است (کُونُوا) که دلالت بر وجوب و الزام می‌کند و کمترین دلالت آن رجحان داشتن این کار است. دلالت الزامی حدیث به دعوت غیر زبانی دعوت گفتاری را نفی نمی‌کند؛ بلکه امر و الزام به این معنا است که رفتار و عملکرد انسان در تربیت دینی مردم اثری دارد، که زبان گفتاری نخواهد داشت. از این رو نقش عملکرد و رفتار مربیان در زندگی در ترویج ارزش‌ها و دعوت دیگران به سوی دین به مراتب بیشتر و بهتر و اثرگذارتر از نقش دعوت های گفتاری و تبلیغاتی است.

نکته مهم‌تر در حدیث بیان محورهای مهم دعوت عملی است که بوسیله آن تربیت دینی مردم به راحتی و سهولت صورت می‌پذیرد و مجموعه رهنمودهای رفتاری که پیشوایان دین برای دعوت و تربیت دینی مردم ارائه نموده به صورت کوتاه تحلیل می‌گردد.

۱ـ در این حدیث نخست ورع را عامل دعوت غیر زبابی دانسته امام صادق (ع) در حدیث دیگر ورع را تبیین فرمود: ورع عاملی است که انسان را از محرّمات باز داشته و او را از شبهات دور می‌گرداند «إذا اتقیت المحرمات وتورعت عن الشبهات وأدیت المفروضات وتنفلت بالنوافل فقدا کملت فی الدین الفضائل» در بیان دیگری از معصومان آمده است« الورع، الوقوف عند الشبهۀ» (عیون الحکم و المواعظ،ص۶۸)ورع آن است که در برخورد با شبهه انسان توقف کند، اگر شبهه‌ای حرام است و انسان احتمال می دهد که انجام فعلی حرام باشد، آن را ترک کند و اگر احتمال واجب بودن می دهد، انجام دهد.

بنا براین تقوا که ملکه نفسانی و بازدارنده درونی است که انسان را از گناه و عصیان حفظ می کند، مراتبی دارد و یکی از مراتب و پله‌های آن ، « ورع» است. البته ورع نیز دارای مراتبی است که علامه مجلسی از جمله مراتب آن را ذکر کرده است. « ورع التائبین، ورع السالکین، ورع المتقین و ورع الصالحین» (بحارالانوار، ج۶۷، ص۱۰۰)

بنابراین ورع مربی سبب می‌شود که وی در تربیت دینی مردم توفیق بیشتر حاصل کند و مورد اقبال عمومی قرار گیرد.

اجتهاد

اجتهاد، همان تلاش وکوشش و به کارگیری توان در عمل است. اجتهاد و تلاش و کوشش در راه دین، سبب می‌گردد که مربی در میان مردم محبوب واقع شده و مورد پذیریش قرار گیرد.

نماز

« انّ افضل الفرائض بعد المعرفة، الصّلوة و اوّل ما یحاسب العبد علیها فان قبلت قبل ما سواها و ان ردّت ردّ ما سواها» (فلاح السّائل، ص ۱۲۷)اگر (نماز) پذیرفته شد سایر اعمال پذیرفته می‌شود، و اگر ردّ شد کارهای دیگر (نیز) ردّ می‌شود. از سوی دیگر نماز به ستون دین تشبیه شده و نماز از کاستی‌ها و ناراستی‌ها جلوگیری می‌کند از این رو پیشوایان معصوم نماز را که اعمال مخصوصه است را برای مربیان تربیتی مهم دانسته و آن را تاثیرگذار در دعوت و تربیت دینی مردم می‌داند.

کار خیر

از دیگرموارد که در حدیث بیان شده و آن را دعوت به غیر زبان می‌داند انجام کارهای خیر خواهانه است و مربی که خود در کارهای خیر و نیک شرکت می‌کند و کار وی نمود عملی دارد مورد اقبال عمومی قرار گرفته در تربیت دینی مردم اثر گذار خواهد بود.

روایت هارون

امام صادق(ع) فرمود:«**کُونُوا دُعَاه النَّاسِ بِأَعْمَالِکُمْ وَ لَا تَکُونُوا دُعَاه بِأَلْسِنَتِکُمْ**» (قرب الاسناد، ص۷۷) مردمان را با اعمال خود (به خوبی‌ها) دعوت کنید نه با زبان‌های خود.

دلالت حدیث

این حدیث مانند حدیث پیشین است و تنها تفاوت آن در این است که دعوت زبانی را نهی کرده اگر نهی را دلیل بر حرمت این کار باشد لازم است اندکی توجیه شود چون می‌دانیم که دعوت زبانی حتی اگر دعوت کننده به آن عمل نکرده باشد حرام نیست. از رسول خدا نقل شده است «مروا بالمعروف و ان لم تفعلوه و انهوا عن المنکر و ان لم تجتنبوه کلّه» (کنزالعمال، ج۳، ص۶۶)امر به معروف و نهی از منکر کنید هر چند خودتان به آن عمل نکرده باشید و نهی از منکر کنید هرچند از تمام منکرات اجتناب نکرده باشید. به نظر می‌رسد روی سخن با مربیانی باشد که تنها در گفتار مردم را به دین فرا می‌خوانند ولی در عمل و رفتار مخالف گفتار خود دارند نفاق در گفتار و رفتار منفور دین است و این کار در قرآن نیز نهی شده است که پیش از این به صورت تفصیلی بیان شد. در این حدیث نیز مربیان دینی (دعوت کننده به دین) را مخاطب قرار داده که با عمل و رفتار به این کار اقدام نماید دعوت مردم به دین با عمل و رفتار اهداف گوناگونی ممکن است داشته باشد که یکی از آن می‌تواند تاثیر بیشتر عملکرد و رفتار دعوت کننده(مربی) در تربیت دینی مردم باشد.

وصیت امام صادق(ع) به عبد الله بن جندب

سومین حدیث که برای تاثیر رفتار مربی در تربیت دینی مردم می‌توان به آن استناد کرد وصیت امام صادق(ع) به عبد الله بن جندب که مرد توثیق شده است، فرمود:«**رَحِمَ اللَّهُ قَوْماً کَانُوا سِرَاجاً وَ مَنَاراً کَانُوا دُعَاه إِلَیْنَا بِأَعْمَالِهِمْ وَ مَجْهُودِ طَاقَتِهِمْ**»(تحف العقول، ص۲۲۱) خدا آن قوم را رحمت کند که چراغ (راه خلق) و روشنگر (افکار مردم) باشند، با عمل و به‌کار بردن منتهای قدرت، مردم را به‌سوی ما دعوت کنند.

دلالت حدیث

در این حدیث ترحیم وجود دارد که نوعی دعا و ستایش است و دعا در حق کسی در معارف دین دلالت بر رضایت و مقبولیت عمل آن شخص نزد شارع دارد. از این رو دعوت عملی و رفتاری مربیان تربیتی (دعوت کننده به سوی امام) مورد رضایت امام است و یکی از اهداف که امام دعوت با عمل را ستوده است دلیل تاثیر آن و پذیریش

اجتماعی این کار باشد و مردم بهتر به سوی دین گرایش می‌یابد و به عبارت دیگر موثر بودن رفتار مربیان تربیتی در تربیت دینی مردم است .

کلمات قصار امام علی(ع)

عن امیرالمؤمنین(ع):« **إنَّ الوَعظَ الَّذی لا یَمُجُّهُ سَمعٌ ولا یَعدِلُهُ نَفعٌ : ما سَکَتَ عَنهُ لِسانُ القَولِ، ونَطَقَ بِهِ لِسانُ الفِعلِ.**» (عیون الحکم و المواعظ، ص۱۰۰)موعظه‌ای که گوش آن را پس نمی‌زند و هیچ سودی با آن برابری نمی‌کند، آن است که زبان گفتار در آن خاموش بماند و زبان کردار به سخن گفتن بپردازد.

دلالت حدیث

این حدیث به روشنی دلالت می‌کند که عمل و رفتار مربی تاثیر قطعی در مخاطبان دارد. از دیدگاه امام علی مواعظ چند دسته‌اند: دسته‌ای که گوش‌ها آن را پس زده و نمی‌پذیرند و دسته‌ای که مورد پذیریش قرار می‌گیرند و سودمندی آن اندک است ولی دسته‌ای از مواعظ چنان سود مند است که هیچ سودی با آن برابری نمی‌کند و آن وقتی است که زبان گفتار خاموش گردد و زبان عمل و رفتار به جریان افتد. بنابراین دلالت این حدیث بر تاثیر رفتار مربیان در تربیت دینی مردم روشن و خدشه ناپذیر است .

سیره تربیتی پیشوایان معصوم

سیره تربیتی اهل بیت(علیهم السلام) نشان می‌دهد که آنان در دعوت به دین و تربیت دینی مردم بیشتر با اعمال و رفتار خود مردمان را متوجه معارف دین می‌نمودند و دعوت عملی به معروف ها داشتند در عمل به معروف خود پیش قدم بودند. « وقَالَ (ع) مَنْ نَصَبَ نَفْسَه لِلنَّاسِ إِمَاماً فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِه قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِه ولْيَكُنْ تَأْدِيبُه بِسِيرَتِه قَبْلَ تَأْدِيبِه بِلِسَانِه ومُعَلِّمُ نَفْسِه ومُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ ومُؤَدِّبِهِمْ»(نهج البلاغه، حکمت۷۳)

کسی که خود را در مقام پیشوایی و امامت مردم قرار می‌دهد باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد به تعلیم خویش بپردازد و باید تأدیب کردن او به عملش پیش از تأدیب دیگران به زبانش باشد که معلم و ادب کننده خویش به اقدام سزاوارتر است از کسی که معلّم و مربی مردم است.

این فراز از حدیث «**تَأْدِیبُه بِسِیرَتِه قَبْلَ تَأْدِیبِه بِلِسَانِه**» دلالت کامل به تربیت دینی مردم با رفتار دارد و امام معصوم این اقدام را مفید و موثر میدانسته، به همین دلیل در سیره تربیتی آنان به این سبک رفتار می‌کرده‌اند و دیگران را که درمقام پیشوایی مردم است نیز توصیه نموده که با رفتار مردم را به سوی دین فراخوانند و رفتار مربیان در تربیت دینی مردم موثر است. یکی از وظایف پیشوایان دین تربیت دینی مردم است از این رو این حدیث بر موضوع سخن دلالت تام دارد .

سیره تربیتی پیشوایان معصوم نیز اینگونه بوده است و به همین دلیل در تربیت مردم موفق بوده‌اند. همواره پیشوایان معصوم با عمل و رفتار سیره تربیتی خود را تبیین می‌کرده‌اند.

امام علی(علیه السلام) فرمود: « **ایّها النَّاسُ انیّ وَاللَّه ما احُثّکُم عَلی طاعةٍ الَّا اسبِقُکُم الَیها وَلا انهاکُم عَن مَعصِیَةٍ الَّا اتَناهی قَبلَکُم عَنها**»(عیون الحکم والمواعظ، ص۱۶۹) ای مردم به خدا سوگند من شما را به هیچ طاعتی ترغیب نمی‌کنم مگر اینکه خودم پیش از شما به آن عمل می‌نمایم و شما را از هیچ معصیتی باز نمی‌دارم مگر اینکه خودم پیش از شما از آن دوری می‌جویم.

در سیره تربیتی امام علی (ع) است که « إنّی لأرفع نفسی عن أن أنهی الناس عمّا لست أنتهی عنه، او آمرهم بما لا أسبقهم الیه بعملی، و ارضی منهم بما لا یرضی ربّی»(عیون الحکم و المواعظ، ص۱۷۰) از آن خودداری می‌کنم که مردمان را از چیزی باز دارم که خود از آن دست نکشیده باشم، یا به چیزی فرمان دهم که در عمل کردن به آن بر آنان پیشی نگرفته باشم، و از ایشان به چیزی خرسند شوم که خدا از آن خرسند نیست .

بدون تردید اگر گوینده خود عامل به آنچه می‌گوید باشد تأثیر کلام او فوق العاده خواهد بود.

وقتی مردم می‌دیدند پیشوایان دین در تمامی عرصه‌ها پیشگام است، در دین پذیری مردم تاثیر انکار ناپذیر می‌گذاشت. مربیان دینی که اعمال خوب، در وجودش ملکه شده و کارهای نیک را به سهولت و اشتیاق انجام می‌دهند سراسر زندگی آنان تبلیغ دین خدا می‌گردد بدون اینکه سخن گویند و مردم از رفتار و کردار آنان درس فرا

می‌گیرند چرا که تبلیغ عملی از تبلیغ گفتاری مؤثرتر است. ابو اسامه سیره تربیتی امام صادق را چنین گزارش می‌کند.

«**لَیْکَ بِتَقْوَی اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الِاجْتِهَادِ وَ صِدْقِ الْحَدِیثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَه وَ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ حُسْنِ الْجِوَارِ وَ کُونُوا دُعَاه إِلَی أَنْفُسِکُمْ بِغَیْرِ أَلْسِنَتِکُمْ وَ کُونُوا زَیْناً وَ لَا تَکُونُوا شَیْناً وَ عَلَیْکُمْ بِطُولِ الرُّکُوعِ وَ السُّجُودِ فَإِنَّ أَحَدَکُمْ إِذَا أَطَالَ الرُّکُوعَ وَ السُّجُودَ هَتَفَ إِبْلِیسُ مِنْ خَلْفِهِ وَ قَالَ یَا وَیْلَهُ أَطَاعَ وَ عَصَیْتُ وَ سَجَدَ وَ أَبَیْتُ**» (المحاسن، ج۱، ص ۱۸)بر تو باد به تقوای خدا و ورع و کوشش و راستی گفتار و اداء امانت و حسن خلق و نیکی با همسایه. مردم را با غیر زبان به (مذهب) خود دعوت کنید (یعنی رفتار شما شیعیان باید طوری باشد که مخالفان‌تان درگرویدن به مذهب شما مایل شوند) و زینت ما باشید و ننگ ما نباشید. و بر شما باد به‌طول دادن رکوع و سجود، زیرا چون یکی از شما رکوع و سجود را طول دهد، شیطان از پشت سرش بانگ زند و بگوید: ای وای، که این اطاعت کرد و من نافرمانی و این سجده کرد و من سرپیچی (هنگامی که به‌سجده در برابر آدم مأمور گشتم.

تقوای الهی و ورع و تلاش و راستگویی و امانتداری و خوش اخلاقی و حسن همجوار همه این فرازها مربوط به اعمال و رفتار آدمیان است که در حدیث به تاثیر آن در دین گرایی مردم سخن رفته است. پس از آن تصریح می‌کند که مردم را با غیر زبان دعوت کنید در عملکرد و رفتار چنان مثبت عمل کنید و درست کار باشید که زینت و مایه مباحات ما (پیشوایان دین) باشید و با کارهای ناثواب مآیه عیب و عار و ننگ نباشید و برخی از مصادیق که سبب زینت می‌گردد، طولانی کردن رکوع و سجود؛ چون رکوع و سجود طولانی می‌شود، شیطان را به مذلت می‌کشاند و سربلندی برای دین مداران می‌گردد و این کارها سبب می‌شود که مردم به سوی دین گرایش یافته و تربیت دینی گردد. همان گونه که رفتار و عملکرد خوب مربیان تاثیر کارآمد در تربیت دینی مردم دارد عملکرد نادرست مربیان و چهره‌های سرشناس اثرات مخرب و زیان باری در تربیت دینی دارد. از این رو قرآن به زنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که از موقعیت اجتماعی و مذهبی بالایی برخوردار بودند، می‌فرماید:﴿**یا نِسآءَ النَّبِّیِ مَنْ یَأْتِ مِنْکُنَّ بِفاحِشَه مُبَیِّنَه یُضاعَفْ لَهَا الْعَذابُ ضِعْفَیْنِ**﴾(احزاب/ ۳۰) ای زنان پیامبر! (حساب

شما از سایر زنان جداست.) اگر هر یک از شما خلافی انجام دهند، دو برابر دیگران کیفر خواهند دید.

امام علی نیز این مساله را به یاد می‌آورد« **ظَهَرَ اَلْفَسَادُ فَلاَ مُنْكِرٌ مُغَيِّرٌ وَ لاَ زَاجِرٌ مُزْدَجِرٌ أَ فَبِهَذَا تُرِيدُونَ أَنْ تُجَاوِرُوا اَللَّهَ فِي دَارِ قُدْسِهِ وَ تَكُونُوا أَعَزَّ أَوْلِيَائِهِ عِنْدَهُ هَيْهَاتَ لاَ يُخْدَعُ اَللَّهُ عَنْ جَنَّتِهِ وَ لاَ تُنَالُ مَرْضَاتُهُ إِلاَّ بِطَاعَتِهِ لَعَنَ اَللَّهُ اَلْآمِرِينَ بِالْمَعْرُوفِ اَلتَّارِكِينَ لَهُ وَ اَلنَّاهِينَ عَنِ اَلْمُنْكَرِ اَلْعَامِلِينَ بِهِ**»(نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹) فساد آشکار گشت، نه کار زشت را دگرگون کننده‌ای مانده است و نه نافرمانی و معصیت را بازدارنده‌ای. با چنین دستاویز می‌خواهید در جوار خداوند مجاور او شوید؟ و نزد وی از گرامی‌ترین دوستانش گردید؟ هرگز! با خدا و بهشت او فسون نتوان کرد و خشنودی او را جز به طاعت به دست نتوان آورد. لعنت خدا بر آنها که به معروف فرمان دهند و خود آن را واگذارند و از منکر بازدارند و خود آن را به جا آرند.

لعن و نفرین در این حدیث دلالت آشکار بر حرمت کار کسانی می‌کند که به معروف فرمان دهند و خود آن را واگذارند و از منکر بازدارند و خود آن را به‌جا آرند. یکی از مهمترین دلایل کارآمدی کارنامه تبلیغی پیامبران و اولیای الهی این بوده است که آنان بیش از آنکه بگویند و پیش از آنکه دیگران را نصیحت و موعظه نمایند، خودشان عمل می‌کردند. همین نوع سبک رفتاری سبب شد که سخن آنان تا اعماق وجود مخاطبان نفوذ کنند و ذهنها و قلبها را به تسخیر خود درآوردند. مردم بیش از آنکه از گفته‌ها تأثیر پذیرند، از کرده‌ها و رفتارها متأثر می‌شوند .

جمع بندی و نتیجه‌گیری

مربیان دینی روش‌های گوناگون برای تربیت دینی دارند که یکی از موثرترین شیوه‌های تربیت دینی رفتار و عملکرد خود مربیان تربیتی است. رفتار مربیان تاثیر آشکار و نهان خود را بر متربیان می‌گذارد. این سخن مورد تایید روان‌شناسان تعلیم و تربیت نیز قرار دارد که یادگیری مشاهده‌ایی وجود آدمیان را متاثر می‌سازد، و تاثیرات آن پایدارتر است. چون بخش قابل‌توجهی از رفتارها و مهارت‌های دینی از راه مشاهده رفتار مربیان و اندیشوران دین حاصل می‌آید و لازم است نگرش‌ها به تربیت از گفتار بسوی عمل و رفتار سوق داده شود. عملکرد و رفتار مربیان وقتی نشان دهد که مربیان

به گفته‌های خود پایند بوده و فرمان شرع و ارزش‌های مقبول جامعه را پیش از دعوت دیگران، خود عمل می‌کنند از محبوبیت و اقبال بیشتر در میان مردم بر خوردار می‌گردد. چون مردم نسبت به کسانی که در قامت مربی آنان بر آمده‌اند و در صدد تربیت آنان بوده کنجکاو است تا میزان صداقت آنان را در گفتار و کردار دریابند و یکی از راه‌های فهم آن سنجش میزان عملکرد آنان است. از این رو آموزه‌های دین تاثیر عمیق" دعوت عملی" را مطرح کرده است که در آیات و روایات به خوبی تاثیرعملکرد و رفتار مربی در تربیت دینی مردم انعکاس یافته است.

سیره تربیتی اهل بیت(علیهم السلام) نیز نشان می‌دهد که آنان در دعوت به دین و تربیت دینی مردم بیشتر با اعمال و رفتار خود مردمان را متوجه معارف دین می‌نمودند و دعوت عملی به معروف ها داشتند و خود پیش قدم بودند. آیات کسانی را که در سخن به خیر و نیکی‌ها فرمان می‌دهند؛ ولی خود به آن عمل نمی‌کنند عتاب و سر زنش نموده که توبیخ شدن در معارف دین نشانه نامطلوب بودن آن کار نزد شارع است که دلالت بر حرمت می‌کند و کمترین دلالت آن کراهت است. حکم فقهی حرام و کراهت از آن استنباط می‌گردد. روایت در راستای بیان عمق بیشتر و آشکارتر از آیات است با صراحت بیشتر بر این موضوع دلالت می‌کند و با فعل امر که فرمان می‌دهد که با غیر زبان مردم را (به‌کیش و مذهب خود) دعوت کنید. امردلالت بر وجوب و الزام می‌کند و کمترین دلالت آن رجحان داشتن این کار است.

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ش .

نهج البلاغه، شرح صبحی صالح، قم:دارالهجره، ۱۴۱۲ق.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تحقیق علی اکبرغفاری، قم: مؤسسهٔ النشرالاسلامی، ۱۴۰۴ق، دوم.

ابن طاووس، علی بن موسی،فلاح السائل، تحقیق فارس تبریزیان،تهران: دارالاسوه،۱۴۱۴ق.

برقی، احمد بن محمدبن خالد، المحاسن، تحقیق مهدی رجایی، قم: المجمع العالمی لاهل البیت،۱۴۱۳ق.

حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تحقیق مؤسسه آل البیت،قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۳ق، اول.

حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق، اول

دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران : دانشگاه تهران،۱۳۷۲ش، اول

شیخ صدوق، محمّد بن علی بن الحسین ، من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق، دوم

قرائتی، محسن، قرآن و تبلیغ، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن ،۱۳۹۱ش .

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیهٔ، ۱۳۸۸ ق، سوم.

لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواعظ، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم : دارالحدیث،۱۳۷۶ ش.

متقی الهندی، علی بن حسام الدین،کنز العمال، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۹ق، اول

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، بیروت: موسسهٔ الوفاء ۱۴۰۳ق،دوم

ممکارم شیرازی، ناصر، « تفسیر نمونه» قم : دارالکتب الاسلامیه،۱۳۶۱